



# هولدینگ‌ها پیش نیاز خصوصی‌سازی هستند

دیدگاه‌های غلامرضا سلامی، دبیرانجمن حسابداران خبره درباره خصوصی‌سازی و هولدینگ‌ها

گفت‌وگو: سحر شقاقی



غلامرضا سلامی

شرکت‌های هولدینگ که پس از تصویب قانون برنامه سوم توسعه از آن با نام شرکت‌های مادر تخصصی یاد می‌شود، شرکت‌هایی هستند که بیش از ۵۰ درصد سهام دارای حق رأی شرکت سهامی سرمایه‌پذیر را در اختیار دارند، با این حال در ادبیات حقوقی چیزی به نام هولدینگ وجود ندارد. در برخی مواقع شرکت‌های هولدینگ مترادف شرکت‌های سرمایه‌گذاری به کار برده می‌شوند. ولی واقعیت این است که هر کدام از این شرکت‌ها باید مقررات خاص خود را داشته باشد.

اگر بخواهیم تعریف دقیقی از شرکت‌های هولدینگ ارائه دهیم باید بگوئیم که این شرکت‌ها در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که بتوانند مدیریت آنها را نیز در اختیار بگیرند.

دکتر غلامرضا سلامی دبیر انجمن حسابداران خبره معتقد است که تنها راه خصوصی‌سازی، گسترش شرکت‌های هولدینگ و تجمیع نقدینگی‌های سرگردان جامعه توسط این شرکت‌ها است به شرطی که بستر قانونی شفاف برای آنها ایجاد و اجازه داده شود که شرکت‌های هولدینگ بزرگ به فعالیت بپردازند.



شرکت‌های هولدینگ از چه زمانی شروع به فعالیت کردند و هدف از تشکیل آنها چه بوده است؟

در ایران قانون خاصی برای شرکت‌های هولدینگ نداریم و قانون تجارت نیز در مورد این گونه شرکت‌ها سکوت اختیار کرده است. تنها جایی که اشاره‌ای به این موضوع شده، قانون مالیات‌ها مصوب سال ۱۳۵۴ و در ماده ۱۱۶ آن است که می‌گوید امتیازاتی به شرکت‌های هولدینگ داده شود. بنابراین در ادبیات حقوقی چیزی به نام هولدینگ وجود ندارد، ولی فعالیت آنها به پیش از انقلاب برمی‌گردد. برخی هولدینگ‌ها به صورت عملی و برخی به صورت ثبتي فعالیت می‌کنند، چون از نظر ثبتي مانعی وجود ندارد و به اسم شرکت سرمایه‌گذاری ثبت می‌شوند. قبل از انقلاب شرکت‌هایی مثل توسعه صنایع بهشهر، گروه خاور و گروه صنعتی ملی جزو شرکت‌های هولدینگ بودند. پس از انقلاب نیز تعداد هولدینگ‌ها بیشتر شد و به دلیل نبود مقررات قانونی، اختلافاتی بین شرکت سرمایه‌گذاری و شرکت‌های هولدینگ بروز کرد. شرکت‌های سرمایه‌گذاری اکنون مترادف با شرکت‌های هولدینگ به کار برده

### مسیر هولدینگ‌ها

راه خصوصی سازی از مسیر هولدینگ‌ها می‌گذرد. نمی‌توان بدون داشتن هولدینگ‌های بخش خصوصی این کار را انجام داد. چون سرمایه اشخاص و شرکت‌ها هر چقدر که زیاد باشد در مقابل رقمی که خصوصی سازی باید صورت بگیرد چندان قابل توجه نیست

می‌شوند، در حالی که این گونه نیست. کار شرکت‌های سرمایه‌گذاری این است که سهام شرکت‌های مختلف را خریداری می‌کنند، ولی هیچ‌گاه تلاش نمی‌کنند شرکت‌های زیر مجموعه خود را مدیریت کنند. مشابه این شرکت‌ها در ایران هم وجود دارد، ولی اکثر آنها دو کار را انجام می‌دهند. یعنی هم هولدینگ هستند و هم سرمایه‌گذار.

مثلاً شرکت سرمایه‌گذاری بانک ملی هم هولدینگ است و هم سرمایه‌گذار، یعنی هم سهامی دارد که مدیریت آن را به عهده ندارد و هم از سهامی برخوردار است که اکثر آن را در اختیار دارد. شاید شرکت سرمایه‌گذاری ملی که قبل از انقلاب ایجاد شد در اجرای قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی تنها شرکتی بود که از ابتدا به عنوان شرکت ملی سرمایه‌گذاری ایجاد شد، ولی در مورد هولدینگ‌ها از نظر حقوقی مبنای درستی وجود ندارد. البته بورس یک طبقه‌بندی

دارد که طبق آن مقررات داخلی شرکت‌های هولدینگ را جدا می‌کند ولی به قدری در سیستم‌های آن اشکال وجود دارد که اصل موضوع به فراموشی سپرده شده است. بورس می‌تواند به شرکت‌های هولدینگ کمک کند، ولی نمی‌تواند در این زمینه که مدیر آن چه کسی باشد دخالت نماید. به هر حال شرکت‌های هولدینگ در قبل از انقلاب وجود داشته و الان هم تعدادی داریم. از نظر تعریف نیز شرکت‌های هولدینگ در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که بتوانند مدیریت آن شرکت‌ها را در اختیار داشته باشند. نمونه خوب این نوع شرکت‌ها توسعه صنایع بهشهر است که هنوز هم فعالیت می‌کند و به چند هولدینگ تبدیل شده است. در اروپا و آمریکا وقتی که افراد قصد در اختیار گرفتن یک صنعت را داشته باشند شرکت‌هایی، تحت پوشش هولدینگ، تشکیل و کارشان را از این طریق گسترش می‌دهند. هولدینگ‌ها خاصیتی دارند که باعث جذب مردم به آن شرکت‌ها می‌شوند. در واقع این شرکت‌ها پایه به وجود آمدن کارتل‌ها و تراست‌ها هستند. به عبارت دیگر هولدینگ‌ها انحصار عمودی و افقی ایجاد می‌کنند و بازار را تا حدود زیادی به کنترل خود در می‌آورند.

ماهیت کار شرکت‌های هولدینگ با شرکت‌های سرمایه‌گذاری چه تفاوتی دارد؟

یک شرکت هولدینگ در واقع مدیریت شرکت زیر مجموعه‌اش را انجام می‌دهد یعنی کارش این است که شرکت جدید را طراحی، ایجاد و یا خریداری می‌کند و از بالا اداره آنها را به عهده می‌گیرد هر یک از این شرکت‌های زیرمجموعه، فعالیت‌های عملیاتی را انجام می‌دهند و شرکت‌های هولدینگ حکم ستاد را برای آنها

فعالیت  
هولدینگ‌ها به  
تجمیع منابع  
مالی پراکنده  
منجر می‌شود  
که می‌تواند  
سهام واگذاری  
شرکت‌های  
دولتی را  
خریداری کنند

خریداری کرد دچار زیان‌های هنگفتی شد و همین امر فرایند خصوصی‌سازی را با مانع روبه‌رو کرده است.

### فکر می‌کنید شرکت‌های هولدینگ بتوانند در فرایند خصوصی‌سازی تسریع ایجاد کنند؟

راه خصوصی‌سازی از مسیر هولدینگ‌ها می‌گذرد. نمی‌توان بدون داشتن هولدینگ‌های بخش خصوصی این کار را انجام داد. چون سرمایه اشخاص و شرکت‌ها هر چقدر که زیاد باشد در مقابل رقمی که خصوصی‌سازی باید صورت بگیرد چندان قابل توجه نیست. البته ارقام نقدینگی یا منابع مالی فراوانی در اختیار بخش خصوصی است، ولی در این زمینه پراکندگی وجود دارد. هولدینگ‌ها می‌توانند به تجمیع این منابع کمک کنند. الان هم درست است که بسته قانونی شفاف‌تری برای هولدینگ‌ها نداریم، ولی الگوهای خارجی و ایرانی متعددی داریم که می‌توان آنها را ایجاد و ثبت کرد و از طریق آنها شرکت‌های زیر مجموعه متعددی به وجود

دارند و مدیریت کلان آنها را انجام می‌دهند، بدین ترتیب می‌توانند خط مشی کلی شرکت‌ها و جهت‌گیری‌های توسعه را طراحی کنند. به همین خاطر نباید خودشان درگیر مسایل تولیدی و تجاری شوند و بورس بازی کنند. مدیریت مختص این است که بر نظارت و سیاست‌گذاری بر شرکت‌های زیر مجموعه تمرکز کند. در حالی که هدف اصلی شرکت‌های سرمایه‌گذاری تمرکز بر امور سرمایه‌گذاری است و در امور مدیریتی شرکت‌هایی که سهام آن را در اختیار دارند دخالت نمی‌کند.

### اشاره داشتید که در ایران قانون خاصی درباره شرکت‌های هولدینگ وجود ندارد آیا شرکت‌های مادر تخصصی که در برنامه سوم توسعه ایجاد شدند، همان شرکت‌های هولدینگ نیستند؟

در قانون برنامه سوم که شرکت‌های مادر تخصصی تأسیس شدند، منظور شرکت‌های هولدینگ بوده ولی سازوکار اداره آنها مشخص نبود. اصولاً مقررات تشکیل و اداره این شرکت‌ها و قوانینی که بتواند فعالیت آنها را مشخص کند وجود نداشت. ضمن این که شرکت‌های مادر تخصصی فقط برای شرکت‌های دولتی ایجاد شد و قصد آن ساماندهی این‌گونه شرکت‌ها بود مثل شرکت‌های پتروشیمی و معدنی و سازمان گسترش و نوسازی که هولدینگ‌های بزرگ دولتی هستند، ولی بحث من شرکت‌های خصوصی است. دولت می‌تواند مقررات خاص خود را داشته باشد مثلاً در قانون برنامه سوم بحث ادغام برخی شرکت‌های دولتی مطرح شده بود، ولی قانون تجارت در این زمینه مسکوت مانده بود. برای بخش خصوصی در این زمینه قانون وجود نداشت. آنها قانونی خاص خود را اعمال می‌کنند. متأسفانه قانونی درباره هولدینگ‌ها نداریم و چگونگی ایجاد، اداره و مواردی که آنها را در انجام برخی کارها منع و در انجام کارهای دیگر ترغیب کند، وجود ندارد. حتی در زمینه مقررات تنظیم حساب‌های این شرکت‌ها هم قانونی نداریم. البته استانداردهای حسابداری و حسابرسی آنها طبق استانداردهای حسابداری انجام می‌شود، ولی به طور کلی این استانداردها در برخی مواقع با قانون تجارت تضاد دارد، بنابراین به تصویب قوانینی جهت ایجاد و اداره شرکت‌های هولدینگ نیاز داریم. باید توجه کنیم که هدف از شکل شرکت‌های مادر تخصصی کمک به خصوصی‌سازی بود که آنها هم به دلیل بخشی‌نگری نه تنها علاقه‌ای به واگذاری شرکت‌های زیر مجموعه خود نشان نمی‌دادند، بلکه مانع هم ایجاد می‌کردند. اگر هم وارد مجموعه‌ای می‌شدند به دلیل اینکه در درآمد ناشی از واگذاری منافی داشتند و یا در فرایند قیمت‌گذاری به گونه‌ای دخالت می‌کردند، هر کس این شرکت‌ها را

در قانون برنامه سوم که شرکت‌های مادر تخصصی تأسیس شدند، منظور شرکت‌های هولدینگ بوده ولی سازوکار اداره آنها مشخص نبود



آورد و هر کدام از آنها بخشی از سهام‌واگذاری دولت را می‌توانند خریداری کنند. تعدادی از این شرکت‌ها نیز که می‌توانند در فعالیت‌های صدر اصل ۴۴ موفق باشند ایجاد شوند. بایستی اجازه داده شود شرکت‌های هولدینگ بزرگ با مشارکت تعدادی سرمایه‌گذار مؤسس بیایند و طبق قانون تجارت ۴۰ درصد سهام را خودشان بردارند و ۶۰ درصد را با کمک شرکت‌های تأمین سرمایه به مردم بفروشند و بتوانند سرمایه نسبتاً عظیمی به وجود آورند. مثل شرکت هولدینگ خاورمیانه.

ما برای اجرای فرایند خصوصی سازی نیاز به چندین شرکت بزرگ هولدینگ داریم. که به طور تخصصی فعالیت کنند و بتوانند کارهای عظیمی انجام دهند این نقدینگی های سرگردان فقط از طریق ایجاد و تأسیس شرکت های هولدینگ می تواند جمع شود، ولی باید انگیزه کافی برای جذابیت، سودآوری و امکان این که شرکت های زیر مجموعه بتوانند کنترل شرکت ها را بر عهده بگیرند به وجود بیاید. در غیر این صورت اگر قرار باشد هولدینگ ها ۲۰ درصد سهام یک شرکت دولتی را هم در اختیار بگیرند هیچ کس راغب به این کار نمی شود آنها حتماً باید بتوانند بیش از ۵۰ درصد از سهام شرکت های قابل واگذاری را در اختیار داشته باشند تا نتوانند شرکت را کنترل کرده و مدیریت کار برعهده خودشان باشد. وگرنه کسی حاضر نمی شود ۲۰ درصد سهام یک شرکت را خریداری کند و ۸۰ درصد آن در اختیار دولت بماند و هیچ کنترلی بر عملکرد مدیریت نداشته باشد. برای مثال در حال حاضر سهام مدیریتی یا سهام کنترلی داریم که اجازه می دهد کنترل سهام در اختیار یک شرکت باشد ولی سهام مدیریتی هیچ سودی برای شرکت ها ندارد. خلاصه کلام این که، آزادسازی اقتصادی لازمه تمام این موارد است. اگر آزادسازی اقتصادی صورت نگیرد و قرار باشد که نرخ محصولات و خدمات هولدینگ ها را همچنان دولت تعیین کند،

## اداره هولدینگ ها

در اروپا و آمریکا وقتی که افراد قصد در اختیار گرفتن یک صنعت را داشته باشند شرکت هایی، تحت پوشش هولدینگ، تشکیل و کارشان را از این طریق گسترش می دهند

متأسفانه قانونی درباره اداره هولدینگ ها نداریم و چگونگی ایجاد، اداره و مواردی که آنها را در انجام برخی کارها منع و در انجام کارهای دیگر ترغیب کند، وجود ندارد

خود را بر عهده بگیرد و مدیریت آن شرکت ها در اختیار داشته باشد. حال اگر قرار باشد که بورس به صورت قطره چکانی سهام را عرضه کند، بدون تردید هولدینگ ها این سهام را خریداری خواهند کرد. راهکار باید به گونه ای باشد که دولت با برخی سرمایه داران صحبت کند و آنها را به ایجاد هولدینگ ترغیب نماید و از ابتدا مشخص شود که چه چیزی قرار است به آنها واگذار گردد. به عنوان مثال بگویید، اگر شرکت هولدینگ تأسیس کردید که در زمینه گاز مایع فعال بود، امتیاز یک شرکت تولید گاز مایع را به شما می دهیم مواد اولیه آن را نیز با فلان قیمت به شما می دهیم یا اگر قرار است یک شرکت هولدینگ، چند شرکت پتروشیمی ایجاد کند باید از ابتدا مشخص

کسی رغبتی به این کار نشان نمی دهد. بنابراین کرده دولت بخواهد با ابزار تعرفه های گمرکی در سودآوری این شرکت ها مانع ایجاد کند یا ایجاد انحصار کند، دیگر کسی علاقه ای به تشکیل هولدینگ و فعالیت در این عرصه نخواهد داشت.

سازوکاری که در بورس حاکم است یا قوانین واگذاری باعث شده که شرکت های هولدینگ از محیط اصلی خود دور شوند. چه راه حلی در این زمینه وجود دارد؟

واگذاری هایی که در بورس انجام می شود، هیچ شرکتی هولدینگ را ترغیب نمی کند که سهام خریداری کند. چون هولدینگ باید کنترل شرکت زیرمجموعه

طرح اقتصادی منطقی و سودآور روبه‌رو هستند، برای اینکه خصوصی‌سازی درست صورت بگیرد مردم باید احساس کنند سود خوبی نصیبشان می‌شود، در حالی که با اقداماتی که تاکنون انجام شده، مردم متضرر می‌شوند. باید انگیزه لازم را در مردم ایجاد کرد و سرمایه‌گذاری‌ها در هولدینگ‌ها تجمیع شود و دولت بدین ترتیب سهام‌کنترلی را واگذار کند.

### آیا قانون جدید بازار اوراق بهادار توانسته در این زمینه تغییراتی ایجاد کند؟

این قانون، می‌توانست کمک زیادی کند، ولی هر قانون خوبی اگر بد اجرا شود فایده اولیه‌اش از بین می‌رود. این قانون برای تسهیل امر سرمایه‌گذاری و رونق بازار سرمایه ایجاد شده، ولی از موقعی که اجرای آن شروع شده موانع و محدودیت‌های زیادی ایجاد کرده و به اسم تقویت نظارت، دخالت‌ها افزایش یافته است. کسانی که برای اجرای این قانون در نظر گرفته شده‌اند، فاقد تجربه و شایستگی لازم بوده‌اند. این کار نیازمند تجربه بسیار بالایی است. در واقع این قانون به دست کسانی سپرده شد که تجربه این کار را نداشتند. در این قانون تعریف‌ها اشتباه به کار برده شده است. مثلاً شرکت تأمین سرمایه با شرکت سرمایه‌گذاری اشتباه گرفته شده است و یا برای شرکت‌های تازه تأسیس به قدری مقررات سنگین در نظر می‌گیرند که آنها قادر نخواهند بود فعالیت‌های روزمره خود را به خوبی انجام دهند. در حالی که مقررات باید، تسهیل‌کننده امور باشند.

چرا شرکتی با یک میلیارد تومان سهام نباید در بورس سرمایه‌گذاری کند؟ البته قانون خوبی در مجلس تصویب شد ولی در اجرا با مشکل مواجه شد.

در حال حاضر سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغ شده، فکر می‌کنید با ابلاغ این سیاست‌ها بتوان از طریق شرکت‌های هولدینگ اهداف مندرج در اصل ۴۴ قانون اساسی را به اجرا درآورد؟

این سیاست‌ها راه خصوصی‌سازی را باز کرده است ولی اجرای این اهداف نیازمند الزامات و پیش‌زمینه‌هایی است که در سیاست‌های ابلاغی هم به آنها اشاره شده با این حال به نظر نمی‌رسد در دولت و مجلس عزمی برای اجرای درست این موارد وجود داشته باشد. چون راهکارهایی که ارائه می‌شود امکان عملیاتی کردن این سیاست‌ها را زیر سؤال می‌برد و دخالت‌ها افزایش می‌یابد و این در نهایت در تضاد با سیاست‌های اصل ۴۴ است.

باشد که دولت مواد اولیه را به چه قیمتی به آنها می‌دهد و انتظار دارد که مواد ساخته شده را به چه قیمتی به فروش برسانند. تازمانی که این توافق صورت نگیرد ایجاد هولدینگ هیچ فایده‌ای نخواهد داشت، چون هولدینگ نمی‌تواند میلیاردها تومان از سرمایه مردم را جمع کند اما برای آنها در بورسی تصمیم‌گیری شود که عرضه سهام به صورت قطره چکانی باشد. بنابراین باید از قبل توافقاتی صورت بگیرد و چند سرمایه‌گذار، شرکت ایجاد کنند و دولت تفاهم‌نامه‌ای بنویسد که اگر هولدینگ ایجاد شد در این زمینه این شرکت را واگذار می‌کنیم. مثلاً دولت باید بگوید اگر شرکتی با سرمایه ۵۰۰ میلیارد تومان تأسیس کردید، ما فلان پتروشیمی را با این قیمت به شما واگذار می‌کنیم و بگوید که ۴۰ درصد سرمایه آن را شما تقبل کنید و مابقی را از مردم جمع کنید، حتی در این ۶۰ درصد بقیه دولت هم می‌تواند، برای قشرهای ضعیف و از محل فروش سهام دیگر سهام خریداری کند و سهامداران عدالت را در آنجا شریک کند. از قبل هم درصدها مشخص باشد در این صورت هم سرمایه‌گذاران تشویق می‌شوند چنین زیرمجموعه‌ای را ایجاد کنند. و هم مردمی که قصد دارند در این هولدینگ‌ها سرمایه‌گذاری کنند می‌بینند که با یک

اگر دولت بخواهد  
با ابزار تعرفه‌های  
گمرکی و یا  
ایجاد انحصار  
در فعالیت  
شرکت‌های  
هولدینگ مانع  
ایجاد کند، کسی  
رغبتی به این کار  
نشان نخواهد داد